

# گرامی باد پنجاهمین سالگرد انقلاب فرهنگی پرولتاریایی چین

«مائو در حال دست و پنجه نرم کردن با چالش های حقیقتاً عظیم و سختی بود: گسستن جامعه از یک مسیر و انداختن آن به جاده ای دیگر. هرچند جامعه به یک معنای کلی سوسیالیستی بود اما کشش های مختلفی با سرعت در حال به عقب بردن جامعه به سوی سرمایه داری بودند. مائو فهمید که: «داریم به جای دیگر می رویم، فرآیند فرسایشی ما را خسته کرده و به جاده سرمایه داری خواهد برد، مگر اینکه گسست کنیم». او دریافته بود که در انجام این کار، به کانالهای متصلب حزبی نمی توان اتکا کرد. چرا که هنوز در دیدگاه های کهنه و این اندیشه ی بورژوازی گیر کرده بودند که «صرفاً باید چین را قدرتمند کرد و به جایگاه شایسته اش در جهان رساند». اگر هم کسانی به فکر سوسیالیسم بودند فقط در حد مدل شوروی بود که بسیاری از شاخص های سرمایه داری را در خودش حمل می کرد. پس مائو متوجه شد که برای حل این دشواره باید خیزشی از پایین و به شکل توده ای رخ بدهد. اینجا است که مقوله جوانان مطرح می شود. نیرویی که آماده است اغلب اوقات همه چیز را نقد کرده و به چالش بکشد و صرفاً در عرف و عادت گیر نکرده است. گارد سرخ به میدان آمد تا جهت گیری جامعه، از جمله جهت گیری رهبران و ساختارهای حزبی که به دلایل گوناگون ... تبدیل به ماشینی برای به عقب بردن جامعه و حرکت به سوی سرمایه داری شده بودند را به چالش بکشند. گاردهای سرخ تلاش داشتند در روند اداره ی جامعه تغییر ایجاد کنند و توده ها را به درون آن بکشند.»

باب آواکیان

